



toloes@hotmail.com

فرزاد ادیبی کارشناس تعلیم و تربیت

رفتار با کودکان

کودکان مقدمند: ما با سؤالیهای زیادی در باره تحمیل و تبلیغ انتقال نظرات پدر و مادر به کودکان مواجه شده ایم. سؤال را ما اینگونه فرموله می کنیم: آیا پدر و مادر حق دارند که نظرات و دیدگاهها سیاسی، ایدئولوژیک و مذهبی خود را با توسل به تحمیل، تحمیل، تبلیغ و یا استدلال و بحث به کودکان، منتقل کنند؟

قسمت دوم

در قسمت پایانی بخش اول جواب این سؤال، دو سؤال مطرح شد، شما به کدام یک از این پدران و مادران تعلق دارید؟ آیا گروه دیگر از پدران و مادران هم هست که چیز دیگری بگویند؟ من به سؤال اول نمی توانم جواب دهم، این شما هستید که می توانید به آن جواب بدهید. اما به سؤال دوم می توانم جواب دهم. بله پدران و مادرانی وجود دارند که به گونه ای دیگر فکر می کنند. این دسته از پدران و مادران بر خلاف دیگران، به هیچ وجه نمی خواهند که نظرات و ایده های خود را، به کودکان خود منتقل کنند. دلایل این گروه از پدران و مادران برای این موضعگیریشان، مسلم با هم فرق می کند. اما در این امر مشترکند که با انتقال نظرات و ایده های خود به کودک، اولاً حقوق انسانی و مستقل کودک را زیر پا گذاشته می شود و دوماً به رشد مستقل فکری، روانی و جسمی وی، آسیب جدی زده می شود.

در هر صورت بررسی جواب این سؤال را، من مایلم در دو جنبه بررسی کنم. جنبه اول، جنبه حقوقی قضیه است. یعنی اینکه با توجه به حق و حقوق انسانی و قانونی کودک، پدر و مادر می توانند، اینگونه رفتار کنند و رشد نظرات مستقل کودک را زیر پا بگذارند؟ جنبه دوم، جنبه روانی قضیه است. یعنی اینکه در پی این رفتار از سوی پدر و مادر، چه ضربه ای به کودک می خورد. رشد سالم روانی، فکری و جسمی کودک، چه می شود؟ جنبه حقوقی قضیه را بهتر است اول بررسی کنیم. در این قسمت فکر می کنم لازم نیست که رفتار هر کدام از دسته های ذکر شده پدر و مادران را جداگانه بررسی کنیم. به این دلیل ساده که حق و حقوق کودک عمومی است و ربطی به جا و مکان و یا ایده و مذهب پدر و مادر ندارد. حقوق کودک به اصولی تکیه دارد که حقوق جهانشمول انسان، بر آن مبنا است. دسته اول یعنی سنتی ها، دسته دوم، مذهبی ها و دسته سوم که شاید با اما و اگر بشود آنان را "روشنفکران" نامید، همه در یک نظر مشترکند و آن اینکه آنها به عنوان پدر

صفحه ۴

مولتی کالچرالیسم و حقوق کودکان

مصاحبه با هما ارجمند



کودکان مقدمند: یکی از عنوانهای کنفرانس کودکان مقدمند مولتی کالچرالیسم و حقوق کودکان است. چرا؟ **هما ارجمند:** برای اینکه مولتی کالچرالیسم به معنی پذیرش فرهنگهای مختلف

که این پدیده را بشناسیم. پدیده ای که نمیتوان گفت، کاملاً سیاسی یا فرهنگی و یا حتی حقوقی است. از این رو شناخت همه جانبه آن به ما کمک می کند تا محدودیتهایی را که در جهت تحقق همه جانبه حقوق کودکان در اروپا و امریکا و به یک معنی در غرب ایجاد میکنند را کنار زنیم. **کودکان مقدمند:** میتوانید

صفحه ۲

و احترام به فرهنگهای مختلف در یک جامعه مدرن و سکولار مجموعه شرایطی را بوجود آورده که تاثیرات مهمی را بر زندگی کودکان مهاجر و رشد و شکوفایی آنان می گذارد. از این زاویه برای ما که مدافع بدون قید و شرط حقوق کودک و برخورداری کودکان از بالاترین سطح استانداردهای بین المللی در زمینه رفاه و آسایش هستیم، اهمیت ویژه ای دارد

به حمایت از کودکان برخیزیم!

در اثر فقر و عواقب آن در جهان می میرند. * سخنگوی کمیسیاریان سازمان ملل در امور پناهندگان اعلام کرد که در حال حاضر ۳۰ میلیون کودک در مناطق جنگی مجبور به زندگی بوده که از این تعداد فقط ۲ میلیون کودک در سال گذشته جان باخته اند و تعداد ۶ میلیون

صفحه ۳

گزارشات متعددی پیرامون وضعیت کودکان ارائه داده که نکات تکان دهنده ای را در بر دارد. به نمونه هایی از این آمار و ارقام در خصوص وضعیت زندگی و کار کودکان، و کودک آزاری توجه کنید. * یونیسف یکی از سازمانهای مدافع حقوق کودک وابسته به سازمان ملل اواسط ماه سپتامبر اعلام کرد که سالیانه ۱۱ میلیون کودک

پروین سنه

هر ساله به مناسبت روز جهانی کودک، سازمانها و گروههای مدافع حقوق کودکان از دولتی و غیر دولتی آمار و ارقامی در خصوص وضعیت کودکان ارائه می دهند. امسال نیز به همین مناسبت سازمان و گروههای مدافع حقوق کودکان در کنار ارائه آمار،

شما چه فکر میکنید؟ برای ما بنویسید!

آیا درست است که گوش کودک را بیچنانیم و انگشتانش را فشار دهیم و یا بازویش را بگیریم و او را به دنبال خود بکشیم؟ بنظر شما درست است که در فروشگاه سر کودک فریاد بکشیم و یا در خانه جلوی چشم کودکانمان از روی عصبانیت چیزی را روی زمین پرتاب کنیم؟ وقتی شما عصبانی میشوید، چکار می کنید؟ وقتی شما ناظر خشونت فیزیکی و یا روانی کودکی هستید، چه اقدامی می کنید؟ آنرا به خود مربوط میدانید و یا آنرا امری خانوادگی می پندارید؟

افکار و تجربیات خود را با ما در میان بگذارید. ما با درج تجربیات شما در «کودکان مقدمند» سعی میکنیم که رفتارمان را با کودکانمان بهتر و انسانی تر کنیم.

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

ادامه مولتی کالچرالیسم و حقوق کودکان

خطوط کلی تاثیرات مولتی کالچرالیسم را در وضعیت کودکان بگویید؟

هما ارجمند: یک تاثیر مهم این پدیده تشویق و ترغیب کردن ایجاد گتوهای است که بر اساس ملیت، نژاد، مذهب و فرهنگ بوجود میاید. ایجاد گتو که ظاهرا تحت نام کمونیتی بدان رسمیت میبخشند در خود، پدیده ای مضر و خطرناکی است. طبیعتا قربانیان بلاواسطه آن هم کودکان، زنان و نسل جوان اند. این خود سرفصل یک بحث مهمی است که باید گشود، و در بین مردم آگاهی و هوشیاری نسبت به آن ایجاد کرد. باید نشان داد چگونه گتو در یک جامعه ای که مولتی کالچرالیسم در آن به رسمیت شناخته شده سریع شکل میگرد و همین خود محدودیتهای بزرگی را جهت تامین حقوق کودکان بوجود میاورد. یکی دیگر از مشخصات مولتی کالچرالیسم، یعنی احترام به فرهنگهای مختلف و نسبییت فرهنگی است. این هم به واقع از یکطرف به گروه های فرهنگی که با غلظت بالایی، سنتی، عقب افتاده و مذهبی اند امکان اجحاف و خشونت نسبت به کودکان را میدهد. و از طرف دیگر دولت را در حمایت همه جانبه و قانونی از کودک معاف میکند. سستی را که به کودکان در خانواده های با فرهنگهای مردسالار و "بزرگ سالار" اعمال میشود را توجیه میکند و تداوم میبخشد. بنابراین رابطه بین گسترش خشونت به کودک و مولتی کالچرالیسم را باید نشان داد.

کودکان مقدمند: آیا در کنفرانس شما راه و یا طرحهایی جهت این که با پدیده ای بنام مولتی کالچرالیسم مقابله شود هم ارائه خواهد شد؟

هما ارجمند: انتظار ما این است که از یک طرف با بحثهایی که در رابطه با مضرات مولتی کالچرالیسم خواهیم داشت در یک سطحی آگاهی جامعه را بالا بریم. این خود یک راه مقابله است. یک راه دیگر، نقد و افشا همه آن توجیهاتی است که از طرف خود حامیان آن چه در دولت و گروههای اجتماعی کشور مهاجریذیر و چه در بین خود مهاجرین طرح میشود. این توجیهات رنگارنگ است، از جمله به مسئله آزادی مذهب، مقابله با راسیسم و حتی مباحث مربوط به بسامدرنیسم هم می کشد. نقد این مباحث و توجیهات مواردی است که هر روزه در حال انجام آن هستیم و در این کنفرانس بطور متمرکزتر و مبسوط تر به آن خواهیم پرداخت. از طرف دیگر همانطور که گفتیم مولتی کالچرالیسم یک پدیده صرفا سیاسی، فرهنگی و یا تربیتی و یا حتی حقوقی نیست، که بخواهیم با آن در سطح سیاسی، فرهنگی و یا قانونی به مبارزه برخیزیم. بلکه یک مجموعه ای از نرملها و رفتارهایی است که در قبال بخشی از جامعه و بطور مشخص مهاجرین پیش گرفته میشود. این نرملها و رفتارها را باید در اجزا شناخت و خنثی کرد. ولی راه اصلی مقابله با آن فراهم کردن مجموعه شرایطی است که موجب انتگراسیون (جذب) مهاجرین در جامعه میگردد. و این کاری است که اساسا به عهده دولت است و وظیفه ما بعنوان یک نهاد مدافع حقوق کودکان این است که به دولت جهت تامین شرایط لازم جذب مهاجرین در جامعه، فشار بیاوریم. در همین سطح ما طرحها و راههایی را میشناسیم که این امر را تسریع میکند و حتما در این کنفرانس قطعنامه و یا بیانیه هایی ارائه خواهد شد که در جزئیات این شرایط را توضیح دهد.

برنامه تلویزیونی کودکان مقدمند شروع به کار کرد



برنامه های تلویزیونی کودکان مقدمند با همکاری علی فرهنگ و سهیلا شریفی آغاز به کار کرده است.

این برنامه هر هفته دوشنبه ها ساعت ۱۱ تا ۱۲ صبح به وقت ایران و چهارشنبه ها ساعت ۱۱ و نیم تا ۱۲ و نیم شب به وقت ایران از تلویزیون کانال جدید پخش می شود. برنامه های کودکان مقدمند را همچنین روی سایت www.newchannel.net میتوانید ببینید. از این برنامه ها دیدن کنید و زمان پخش آنرا به دوستان و آشنایانتان اطلاع دهید.

کنفرانس

کودکان مقدمند برگزار می کند

"حقوق کودکان جهانشمول است"

۱۸ و ۱۹ فوریه در استهکلم

عناوین کنفرانس:

- کودکان و مولتی کالچرالیسم
- کودکان و مهاجرت
- کودکان و فرهنگ، سنن و مذهب
- کودکان و تجارت سکس

برای اطلاعات بیشتر با ای میل آدرس و تلفنهای زیر تماس بگیرید:

هما ارجمند، homawpi@rogers.com

تلفن: ۰۰۱ - ۴۱۶ - ۷۳۷۹۵۰۰

کریم شامحمادی:

Karimshamohammadi@yahoo.se

تلفن: ۰۰۴۶ - ۷۸۵۲۶۷۱۶

www.childrenfirstnow.com

دبیر

«کودکان مقدمند»

هما ارجمند

homawpi@rogers.com

سردبیر

هفته نامه

«کودکان مقدمند»

امیر توکلی

tel: 00 358 405 821 776

e.mail:

kodakan_moqadamand@hotmail.com

مسئولین مرکز پخش:

شهلا خباززاده

سروش ابراهیمی

kudakanmoqadam@aol.com

Shahlaxabazzade@aol.com

soroshebi@yahoo.com

دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه

ادامه

به حمایت از کودکان برخیزیم!

نفر نیز صدمات جدی جسمی و روحی دیده اند. * سازمانهای دفاع از حقوق کودکان امسال در آستانه روز جهانی کودک در برلین اعلام کردند که ۲۰ میلیون کودک در جهان در حال فرار می باشند. از این تعداد به طور متوسط نزدیک به ۵ میلیون نفر قبل از رسیدن به سن نوجوانی در حین فرار جان خود را از دست داده و یا در اثر ادامه جنگ ها می میرند.

* بیش از ۱۰۰ هزار کودک در ۱۵۰ اردوگاههای اسکان موقت در سودان در اثر سوء تغذیه با خطر جدی مرگ روبرو می باشند.

نزدیک به ۲ میلیون کودک در جهان مجبور شده اند که به عنوان سربازان جنگی در مناطق و کانونهای بحرانی زندگی کرده و در جنگ ها شرکت نمایند. در افغانستان، رواندا، اندونزی، سیرالئون، ویتنام، کامبوج و یوگسلاوی سابق نزدیک به ۱۰ میلیون کودک در اثر فقر و کمبود مواد غذایی و شیوع بیماریهای عفونی و نبود حداقل امکانات زندگی با خطر مرگ روبرو می باشند.

* سالیانه نزدیک به ۲۰۰ هزار کودک قربانی مینههای کار گذشته شده در مناطق جنگ زده جهان می شوند. تعداد قربانیانی که فقط در افغانستان، یوگسلاوی، ویتنام، عراق و ایران به ثبت رسیده است، گویای ابعاد تهدیدی است که جان و زندگی میلیونها کودک را تهدید می کند.

* فقط در برلین پایتخت آلمان بیش از ۱۰۰ هزار کودک زیر خط فقر زندگی می کنند.

* تجارت سسکس کودکان سالانه هزاران کودک را بخصوص از کشورهای آفریقای و جنوب شرقی آسیا قربانی می‌گیرد. اینها آمار و ارقامی هستند که به اعتراف کنندگانشان تنها گوشههایی از واقعیت زندگی کودکان را به تصویر می‌کشند. آمارهایی که در وهله اول باور

کردنش برای هر انسان سخت است. مگر می‌شود این آمار و ارقام را مرور کرد و انگشت حیرت به دهان نگذاشت. سوالی که مطرح می‌شود این است. مگر می‌شود باور کرد که میلیونها کودک جان و زندگی شان هر روزه و هر لحظه تهدید می‌شود؟ سوال دیگری که بلافاصله به ذهن هر انسان شریف خطور می‌کند، این است که مسئول این همه جنایت، فقر و فلاکتی که گریبان میلیونها انسان را گرفته است، کیست؟ و بالاخره سوال اساسی تر اینکه چگونه می‌شود به این وضعیت پایان داد؟

در این شکی نیست که نظام سرمایه داری و مناسبات وارونه این نظام مسبب اصلی این وضعیت می‌باشد. اگر کودکان در جنگها قتل عام می‌شوند و جزو اولین قربانیان جنون جنگی می‌باشند، اگر میلیونها نفر از عواقب و نتایج این جنگ ها بی‌خانمان می‌شوند، اگر میلیونها کودک به خاطر نداشتن امنیت جانی و روحی مجبور به فرار می‌شوند، اگر میلیونها کودک خاطره‌ای به غیر از جنگ، کشتار، آدمکشی، زندان، بمباران، انفجار مین، قطع دست و پا و فقر و فلاکت ناشی از این امر ندارند، اگر صدها هزار کودک در حین فرار و در بدترین شرایط به دنیا می‌آیند، در بی امکاناتی محض و مدام با ترس از مرگ چند صباحی زنده مانده و در برابر چشمان عزیزانشان می‌میرند، اما جنگ ها تمام می‌شوند در بسیاری از موارد طرفین به صلح میرسند، ولی کودکان هنوز بطور واقعی در جنگ دیگری که ظاهرا خونی از کسی ریخته نمی‌شود، درگیر می‌شوند... آمارهای بالا همه و همه شهادی بر این مدعاست که نظام سرمایه داری و سود و تامین مافوق سود به هر قیمت، تحمیل جنگ و بی‌خانمانی یک جز اساسی این نظام بوده است. خود این نظام این وضعیت را باز تولید کرده و بر زندگی نسل

های متوالی تحمیل کرده است. جمعیت میلیونی کودکانی که در این آمار و ارقام به آنها اشاره می‌شود، عملاً در جنگ بسر می‌برند. جنگی که هر روز و هر لحظه از این جمعیت بی‌دفاع قربانی می‌گیرد. نگاهی به دنیای کار کودکان بیندازیم. دهها میلیون کودک با دستمزدهای بسیار ناچیز و در بدترین شرایط و برای تامین معاش خود و خانواده‌هایشان اجباراً تن به کارهای سخت و طاقت فرسا می‌دهند. کارفرمایان با سوء استفاده از فقر و بی‌حقوقی کودکان آنها را به شاق‌ترین کارها و می‌دارند. نگاهی به حال و روز میلیونها کودک در اردوگاههای اسکان موقت در مرزهای کشورهای جنگ زده بیندازید تا ابعاد فاجعهای که بشریت را تهدید می‌کند، نمایان شود. میلیونها کودک به غیر از چادر و سیم خاردار و نیروهای نظامی در دنیای کودکانه شان خاطره دیگری ندارند. میلیونها کودک از امکانات تحصیل و بهداشت و دارو و درمان محرومند. بیماریهایی که سالیان سال بود ریشه کن شده بود، در دو دهه گذشته دوباره شیوع پیدا کرده و از کودکان قربانی می‌گیرند. این وضعیت گویای واقعیت داشتن جنگی اعلام نشده بر علیه کودکان و بشریت می‌باشد. در این جنگ نابرابر و تحمیلی هر ساله میلیونها کودک جان می‌سپارند. مسئول اصلی این همه جنایت و قتل عامها کسی جز خود این نظام وارونه نبوده و نیست. بشریت متدمن باید در مقابل این توحش و بربریت بایستاد و زندگی شایسته انسان را بنیاد نهد. زندگی انسانی بدون فقر و بدبختی، جنگ و کشتارهای دسته جمعی، حق هر انسانی است. برای این دنیای انسانی به میدان بیاییم.

وضعیت کودکان پناهجو



اسماعیل مولودی
مددکار اجتماعی و
کارشناس امور پناهندگی

قسمت آخر (شانزدهم)

بحث در مورد کودکان پناهجو جزو یکی از مکتوبات ما در مورد کودکان میباشد. کودکانی که در جامعه فراموش شده اند البته نه تنها در جامعه جدیدشان بلکه در جمع کوچک خانوادگی هم بدرجه ای فراموش شده اند. بهمین خاطر تصمیم گرفتم در یک رشته مقالات زندگی این کودکان را برشته تحریر در آورم تا مختصری باشد از آنچه بر این انسانها میگردد. کودکان ضعیفترین و ضربه پذیرترین موجوداتی هستند که اکثراً مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند. در دنیای این انسانهای کوچک اتفاقاتی می‌افتد که غیر قابل تحمل و بسی دردناک است. کم نیستند کودکانی که بطور عموم در جامعه مورد انواع تجاوزات قرار می‌گیرند. کم نیستند کودکانی که قربانی خشونت های خانوادگی و جامعه میشوند. جنگ، آتش سوزی، سیل و هر گونه بلایایی قربانی خود را بیشتر از کودکان می‌گیرند. بهمین خاطر باید مسئله را مهم گرفت و کوشید که جامعه و مسئولین اجتماعی را متوجه این مهم کرد. بنابراین لازم دانستم برای ثبت در اسناد فدراسیون یک مختصری در مورد کودکان داشته باشیم.

بعضی وقتها مورد این سوالات قرار می‌گرفتم. چرا فقط کودکان؟ چرا کودکان پناهجو؟ چرا همه پناهجویان نه؟ جواب این سوالات را بخشا در بالا داده ام اما نکته دیگری که باید اضافه کنم این است که کودکان پناهجو در شرایطی زندگی میکنند که هیچ تامین اجتماعی، روحی و بهداشتی ندارند. جالب این است تاکنون هیچ سندی در مورد زندگی و وضعیت این انسانها مکتوب نشده.

مبنای نوشته های من بر دو محور است یکی گفتگو با کودکان و نوجوانان پناهجو و منعکس کردن زندگی آنها از زبان خودشان. بحث از زبان کسانی که خود در جریان زندگی بیشترین مشکلات روحی و جسمی را متحمل شده اند اما جامعه کمترین اطلاعی در مورد آنها دارد. جنبه دوم کار من نگاه کردن به آمار و ارقامی است که در مورد کودکان وجود دارد. نگاه کردن به نظرات محققین و متخصصینی که با کودکان و مشلات کودکان کار کرده اند و تحقیق کرده اند و یا در این باره نوشته اند. در نتیجه نوشته من تلاش میکند نه تنها وضعیت کودکان را توضیح دهد بلکه میکوشد اثرات پناهنده شدن بر زندگی حال و آینده کودکان نیز جلو چشم همه بگیرد.

این دوره بعنوان بهترین دوران کار من با پناهجویان و بخصوص کودکان پناهجو بوده است زیرا من با تماسهایی که می‌گرفتم و یا تماس های که با من گرفته میشد به دنیایی می‌رفتم که کمتر کسی در جامعه آترا می‌شناسد. بقول یک نوجوانی که وقتی پرسید چرا در مورد ما می‌نویسی جواب دادم

صفحه ۴

مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان

لیلا را از دست جلادان نجات دهیم نباید گذاشت لیلا را اعدام کنند!

مینا احدی

مردم آزاده، سازمانهای مدافع حقوق انسانی!

جمهوری اسلامی ایران در صد اعدام یک دختر جوان است که زندگی و سرگذشت او جز درد و رنج و تحقیر و آزار جنسی وحشیانه هیچ چیز دیگری نبوده است. طبق گزارشات رسیده لیلا از هنگامی که کودک ۹ ساله ای بوده، به اجبار والدینش، مجبور به تن فروشی میشود و همان زمان یکبار به ۱۰۰ ضربه شلاق از سوی جانبازان اسلامی محکوم میشود و در چهارده سالگی مجدداً به شلاق خوردن محکوم میشود و در همین زمان دو دختر دو قلوئی خود را به دنیا میآورد. او تا سن ۱۹ سالگی یعنی همین امسال مجبور به تن فروشی بوده است. اکنون حکومت اسلامی این دختر جوان را دستگیر و با محاکمه او، حکم اعدام وی را صادر کرده



است. وسطایی است که فقط از جانبان حاکم بر ایران بر میآید. به این جنایت سبعانه با تمام توان و قدرت اعتراض کنید. دست در دست هم کاری کنیم که اعتراض به این اعدام، به یک کارزار وسیع جهانی بر علیه حکومت جنایتکار اسلامی تبدیل شود. ما مصمم هستیم که لیلا را از دست جانبازان اسلامی نجات دهیم. ما مردم آزادیخواه و سازمانهای مدافع حقوق انسانی نخواهیم گذاشت این جوان دردمند و ستمدیده را اعدام کنند. به این کارزار جهانی بپیوندید.

لیلا میگوید که در طول این ۹ سال که مجبور به تن فروشی بوده، از کسی پولی نگرفته است، فقط شکلات و کمی پفک به او داده اند. روانپزشکی که او را معاینه کرده اند گفته اند که ضریب هوشی او در حد یک کودک ۸ ساله است. او در ملاقات با یک ژورنالیست میگوید که اگر اعدام نشود، از هر کس که به ملاقات او میآید، میخواهد که برایش شیرینی و شکلات ببرد. حکم اعدام این انسان رنجدیده سرکوب شده و تحت ستم، یک رفتار به غایت وحشیانه و قرون

ادامه

رفتار با کودکان

و مادر حق دارند که خوب و بد کودک خود را تعیین کنند. این حقی است که آنان، نه تنها بطور طبیعی برای خود قائل هستند بلکه در پی اثبات این حق، استدلالهای خاص خود را نیز دارند. پدران و مادران سنتی که بر اساس سنتهایی که با آن بزرگ شده اند با کودک خود رفتار می کنند. بدون اینکه این امر را آگاهانه پیش ببرند، دست به این کار می زنند. و بطور روزمره سعی بر این دارند که فکر، رفتار و حتی علائق کودک خود را تحت کنترل خود دریاورند. کودک ایشان

باید همانند ایشان به آینده، تحصیل، عشق و خوشبختی فکر کند. تعریفی که کودک ایشان از خوشبختی انسان می دهند، باید همانی باشد که این پدران و مادران به آن معتقد هستند. استدلالهای این دسته بسیار ساده و عامیانه است. مانند، خوب حالا ما که به حرف پدر و مادرمان گوش دادیم و هر چه آنها صلاح دانستند کردیم، مگه دیگر گروهها، ادامه دهیم.

**کودکان مقدمند
پنجشنبه ها منتشر میشود**

ادامه

وضعیت کودکان پناهجو

آخر کسی تا حال این کار را نکرده و من دوست دارم بدانم بر شما چه میگذرد. مکشی کرد و گفت پس شما ما را آدم حساب میکنید؟ وقتی بیشتر صحبت کردیم و تلاش کردم بحرف بیاید در ادامه چنین گفت. من باید کار کنم و هم باید درس بخوانم، ولی نمیدانم سرنوشتم چی میشود؟ از روزی هم که اینجا هستم تا حال نفهمیدم اصلاً چرا ما از ایران آمدیم اینجا؟ جایی که کسی ما را تحویل نمیگیرد. آری، کودکان بیشتری لطمت روحی را در مهاجرت متحمل میشوند. آنچه که در این مدت برای من جالب بود این است که با روحیات و احساسات کودکان بیشتر آشنا شدم و نیز با توجه به ارتباط وسیعی که با آنها داشتم توانستم شمه ای از زندگیشان را بتحریر در آورم. بارها در روزنامه های سوئدی در مورد وضعیت آنها نوشته ام و یا در ارتباط با وزارت امور مهاجرین تلاش نمودم مسئله کودکان پناهجو را بعنوان یک مسئله جدی مطرح کنم. کنفرانس دهم فدراسیون قراری در مورد کودکان پناهجو بتصویب رساند که من خود مسئولیت پیشبرد آنرا بعهده گرفتم و برای همین کار لازم دانستم اول باید شمایی کی از زندگی کودکان پناهجو را تصویر کنم تا جامعه و مردم آزادخواه متوجه اهمیت مسئله شوند. این بدین معنا نیست که کسی اهمیت این مسئله را نمیدانست و من این را کشف کرده ام، بلکه به این لحاظ که هیچ چیز مکتوبی در مورد کودکان پناهجو تاکنون وجود نداشته و امیدوارم این فتح بابی باشد برای وارد شدن و اهمیت دادن به وضعیت کودکان پناهجو.

در بین انسانهای آزادیخواه و مدرن کودکان بعنوان ثروت انسانی جامعه بحساب میآیند. اما وقتی به موقعیت کودکان پناهجو نگاه میکنیم این مسئله معنی دیگری دارد. بشریت مدرن در طول تاریخ تلاش کرده و میکند که دنیایی انسانی سر کار باشد تا کودکان و همه مردم جامعه بتوانند از دستاوردها و پیشرفتهای علمی و تکنولوژی بنفع رفاه خود استفاده کنند. اما اوضاعی که امروز بر دنیا حاکم کرده اند هویت انسانی را از جامعه گرفته اند و روز بروز دستاوردهای مدرن جامعه را از مردم میگیرند. باید علیه این وضع ایستاد. دفاع بیقید و شرط از حرمت انسانها، دفاع از برابری انسانها و قبل از هر چیز تلاش برای دنیایی بهتر میتواند جواب مسئله باشد. کودکان پناهجو نمونه تحمیل بیحقوقی آشکار به انسانها هستند. قوانین غیر انسانی پناهنده پذیری در کشورهای اروپایی را باید با دفاع از کودکان پناهجو جواب داد. در جامعه قوانین خوب وجود دارد که دستاوردهای امروزی بشر هستند نباید اجازه داد نادیده گرفته شوند. مبارز برای ایجاد رفاه و آسایش برای کودکان مستلزم یک مبارزه متحد و گسترده است. ما در فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی پرچم این مبارزه را برافراشته ایم و باید آنرا تقویت و گسترده کرد.

بجاست ر پایان از همه کودکان و نوجوانان و جوانان عزیزی که مرا کمک کردند، اعتماد کردند که در مورد زندگیشان با من صحبت کنند و یا خاطرات تلخ و شیرین خود را برایم تعریف کردند نهایت تشکر و قدردانی نمایم. بدون همکاری این عزیزان قطعاً موفق به انجام چنین کار نمی شدم. امیدوارم همیشه خوش و پیروز باشند.

مهنوعیت هر نوع آزار روانی، فشار و ارباب کودکان

ادامه

تجاوز و کودک ربایی در افغانستان

و افراد پلیس مشاهده شده است. در برخی مناطق دیگر نیز کودک ربایی، فروش و تجاوز جنسی به کودکان پسر و دختر بطور گسترده ای گزارش شده است. ساکنان محلی قندهار شکایت از آن دارند که ظرف سه سال اخیر گروه های مسلح در این استان افزایش یافته و بدون ترس از قانون به کودکان تجاوز می کنند. یکی از مسئولین حقوق بشر در نواحی شمال افغانستان می گوید موارد قاچاق و

ادامه

خیابان همه چیز اوست

کرد. از این دست جنایات علیه کودکان، هر روز، هر ساعت، هر دقیقه و هر لحظه اتفاق می افتد. بعد از این جنایت هولناک سیل کمک های مالی کشورهای اروپائی به نهادهای فعال در مسائل کودکان سرازیر شد. در حال حاضر ۳۰۰ نهاد کمک رسانی در ریبو برای کمک به کودکان خیابانی وجود دارد. اگر وجود این سازمانها باعث شود تعدادی از این کودکان به سقفی بالای سر، به غذا و به پوشاکی برسند و یا حتی به فرزند خوانده گی پذیرفته شوند اما این طبیعت نظام سرمایه داری است که کودکان خیابانی را بازتولید میکند.

خیابانهای تهران،

خطرناکتر از بیابانهای پاکدشت

به این منطقه میآورد و ساعت چهار صبح دوباره به سراغشان میآید و جمعشان میکند و گروه دیگری را به جایشان می گمارد.

تعبیر زده در حالی که بچه های معصوم پمپ بنزین را نگاه میکنم شماره تلفن ۱۱۰ را میگیرم و ماجرا را با پلیس در میان میگذارم. پلیس: ای بابا شما چقدر سخت میگیرید! دارند آدمس میفروشند، جرم که نیست! با ناامیدی گوشی را قطع میکنم و به سمت ماشین میروم. آقا یه آدمس از من بخريد. برمیگردم، همان دخترکی است که ساعتی پیش دیدمش.

برگرفته از: سایت بازتاب

شب، کنار خیابان....

دور میزنم و همانجایی که بچه ها را دیده بودم، برمیگردم. اثری از آنها نیست. بسرعت به سمت پمپ بنزین میروم. آنچه را که می بینم باور نمیکنم. پمپ بنزین و اطراف آن پر از کودکانی است که بین چهار تا ده سال سن دارند. دختر و پسر! یکی آدمس میفروشد، دیگری دسته ای گل به دست دارد، آن یکی شیشه ها را پاک میکند، چندتایشان گوشه ای نشسته اند و با هم حرف میزنند و کمی آنطرفتر هم چند کودک مشغول بازی اند. از کارکنان پمپ بنزین درباره بچه ها که میپرسم می گویند: اینها شیفت شب هستند. یک نفر که به بچه ها گفته اند او را بابا صدا کنند. اینها را هر شب

ساعت یک بامداد است. از محدوده پل پارک وی که میگذرم، دو کودک را در کنار خیابان می بینم. اولی دختری است شش ساله با چهره ای دوست داشتنی و موهایی که روی شانه هایش ریخته و دومی، پسری بچه ای است که به نظر نمیرسد بیشتر از چهار سال داشته باشد. نگران میشوم و ترمز میکنم.

بچه ها! اینجا چکار میکنید؟

هیچی، داریم میرویم پیش بابامون.

باباتون کجاست؟

توی پمپ بنزین.

دوباره حرکت میکنم، ولی فکرم پیش بچه هاست. نگرانشان هستم، دو کودک خردسال، ساعت یک نیم

۶۰ درصد دانش آموزان چابهار به کچلی

و ۴۵ درصد به شیش آلوده هستند



کمبود منابع آبی و شرایط آب و هوایی کچلی و آلودگی به شیش را در چابهار تشدید کرده است.

ایرانا: دکتر اردنی عدم رعایت بهداشت فردی و استفاده از آب ناسالم را از علل ابتلا به کچلی و شیش در این منطقه دانست. فقر، خشکسالی،

با نشریه کودکان مقدمند همکاری کنید.

ما منتظر اخبار، مقالات، نظرات و پیشنهادات شما هستیم.

به کودکان مقدمند پیوندید

ممنوعیت فوری حجاب اسلامی برای کودکان



افسانه وحدت

صاحبنظر در امور کودکان

خیابان همه چیز اوست

"سحر نزدیک میشد و تاریکی شب رفته رفته جای خود را به روشنایی کم سویی میداد. سرد بود و لکه های ابر خاکستری بیهوده میکوشید از روشنی سحر جلوگیری کند. تعدادی کودک در گوشه پیاده رو، تنگ هم، بهم چسبیده بودند و به خواب رفته بودند. به هم چسبیده بودند که سوز و سرمای شب را کمتر احساس کنند و نزدیکی تن هایشان شاید بتواند آنها را کمی گرم نگاه دارد. برج بلند کلیسا در این سحر سرد و نیمه تاریک در بالای سر آنها سر به آسمان خاکستری کشیده بود. همه جا در آرامشی سرد و عمیق فرو رفته بود. همه در خانه هایشان، زیر سقفی، در زیر سرپناهی در حال استراحت بودند. به غیر از این کودکان که بجز خیابان پناه دیگری نداشتند و زیر اندازشان فقط کارتن مقوا و پتوهای کهنه و پاره بود. ناگهان اتومبیلی باشتاب فراوان در کنارشان ترمز شدیدی کرد. مردی با لباس ارتشی از اتومبیل پیاده شد و به نزدیکترین کودکی که در خواب بود لگد محکمی زد و او را از خواب بیدار کرد و از او سؤالی نمود. پسر بچه با شوک فراوان بیدار شد، زبانش کاملاً بند آمده بود. مرد اسلحه اش را کشید و شروع به شلیک گلوله به طرف بچه هایی که در خواب بودند کرد. یکی از بچه ها سعی کرد از مهلکه فرار کند ولی با شلیک گلوله ای در جا از پا درآمد. کودک دیگری در حالیکه سخت زخمی شده بود در خون خود می غلطید. مردان مسلح به دلایل نامعلومی سه تا از این کودکان را باجبار بروی زمین کشیدند و با خود بردند، در حالیکه پنج جسد را غرق در خون روی زمین رها کردند. از سه نفری که بردند دو نفر را کشتند و سومی که سخت زخمی شده بود بعد از چند روز درگذشت."

این اتفاق تکانه‌دهنده حقیقت دارد. داستان وحشتناکی نیست که نویسنده ای از سر سیری نوشته است که معروف بشود. این صحنه ها را انسان شناس و روزنامه نگار معروف، اوریان بارتولدسون توصیف میکنند. این جنایت در سال ۱۹۹۳ در نزدیکی کلیسای معروف کاندلاریا در ریودوژانیرو اتفاق افتاد و توجه تمامی دنیا را در آن زمان به کودکان خیابانی جلب کرد.

چرا باید چنین جنایتی صورت بگیرد؟ چرا باید بچه های بیگانه‌ای که در تمامی زندگیشان، در سیستم های ناعادلانه و غیر انسانی کشور هایشان زجر کشیده اند، تحقیر شده اند، گرسنگی کشیده اند، بدون عشق و محبتی، بدون سرپناهی و دلسوزی هر لحظه از زندگیشان مجازات شده اند، به این شکل فجیع کشته شوند؟

این جنایت افشاء شد و دهان به دهان گشت، چرا که وحشتناک تر و عریان تر از آن بود که بتوان آن را کنمان

صفحه ۵

بهرتر بودن نسبت به سایرین را دارند و در مقابل نوجوانان نیز عکس العمل های مناسبی در برابر شکستها نشان نمیدهند و به سرعت درگیر واکنش ناخوشایند میشوند. این نوع رفتار والدین نوعی آزار عاطفی است چرا که ایجاد رقابت کاذب خارج از توان فرد ذهن و روان او را به هم میریزد و رفته رفته باعث میشود وی دچار خود کم بینی شده و حتی از فرط احساس شرمندگی اقدام به خودکشی کند.

یک روانشناس درباره فقدان استحکام عاطفی نوجوانان و اثرات ایجاد رقابت های کاذب از سوی والدین در میان فرزندان و سایرین از سویی و برآورده نشدن باورهای والدین توسط فرزندان از سوی دیگر میگوید: چنین رقابتهایی کاذب به واکنش های شدیدی منجر میشود او میافزاید نوجوانان در سنینی به سر میبرند که نیازمند حمایت و تایید دیگران هستند و دوست دارند شاخص و مطرح باشند. خانواده از دانش آموزان انتظار

هموطن: بهاره ۱۴ ساله که در سال اول دبیرستان تحصیل میکند خود را دانش آموز موفق میداند، اما گرفتن نمره خوب از انگلیسی برایش مشکل است. وی که با تلاش پزشکان از مرگ نجات یافت میگوید: زمان زیادی را برای درس خواندن صرف کردم و اصلاً انتظار این نمره را نداشتم اما بعد از دیدن نمره ۹، غم و احساس شرمندگی کردم و تحمل شرایط و جوابگویی به والدینم را نداشتم و تصمیم به خودکشی گرفتم.

۶۰۰ هزار کودک کارگر در مراکش

به کار کشیده میشوند، تعداد پسران اندکی بیشتر از تعداد دختران است.

وزارت کار مراکش ۸۷ درصد این کودکان روستایی اند. هم پسران و هم دختران خردسال

فرانس پرس: ۶۰۰ هزار کودک بین ۵ تا ۱۱ سال در مراکش کار می کنند. بنا به پژوهش

۸۰ میلیون مین در جهان کاشته شده است

مرگ و میر جهان است و از آنجا که این خطر کودکان را به شدت تهدید میکند. طرح جمع آوری مین در کشور تقریباً به فراموشی سپرده شده است. شهرستانهای غربی کشور از جمله سندج، ایلام و دزفول از مهمترین شهرهای آلوده به مین هستند.

۲۲ دقیقه یک نفر قربانی صدمات ناشی از انفجار مین میشوند و هر سال ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر در سطح جهان به همین دلیل جان خود را از دست میدهند که بخش مهمی از این قربانیان را کودکان تشکیل میدهند. صدمات ناشی از مین سومین عامل

کارشناس انجمن حمایت از قربانیان مین گفت: حدود ۸۰ میلیون مین در جهان کاشته شده است و ۸۰ کشور دنیا با این عارضه دست به گریبان هستند. هر مین نزدیک به ۵۰ سال فعال است و امکان از بین رفتن آنها بسرعت امکان پذیر نیست. در هر

افزایش

تجاوز و کودک ربایی در افغانستان

جنوبی قندهار حاکی است که موارد تکان دهنده تجاوز جنسی به کودکان در این استان از سوی جنگ سالاران

برخی از فرماندهان محلی، کودکان و دختران جوان را ربوده و آنها را در کشورهای خارجه به فروش میرسانند. گزارشهای رسیده از استان

راديو فردا: افغانستان در سالهای اخیر شاهد افزایش پدیده قاچاق کودکان و زنان بوده است و گفته میشود که باندهای قاچاق انسان با کمک

صفحه ۵

ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان